

پیش بینی سازگاری پس از طلاق براساس سبک های فرزند پروری والدین در کودکان تک والد ناشی از طلاق شهر بروجرد

معصومه کردی: ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

cl.psy.kordi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی سازگاری پس از طلاق براساس سبک های فرزند پروری والدین در کودکان تک والد ناشی از طلاق شهر بروجرد بود. پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی بود و جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کودکان تک والد ناشی از طلاق شهر بروجرد در سال ۱۳۹۷ بود. روش نمونه گیری پژوهش حاضر بصورت هدفمند انتخاب شد و تعداد ۱۰۰ نفر آزمودنی جهت پژوهش انتخاب شد. در این مطالعه برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های، سبکهای فرزندپروری بامبریند، سازگاری کودکان با طلاق پرتز استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند. یافته ها حاکی از آن بود که نتیجه حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک فرزندپروری سهل گیرانه و سبک فرزندپروری مقتدرانه با سازگاری پس از طلاق در کودکان تک والد ناشی از طلاق شهر بروجرد رابطه معنادار وجود ندارد. بین سبک فرزندپروری مستبدانه و سازگاری پس از طلاق در کودکان تک والد ناشی از طلاق شهر بروجرد رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون مقدار مجذور ضریب همبستگی نشان داد ۱۱ درصد سازگاری پس از طلاق توسط سبک فرزندپروری مستبدانه پیش بینی می شود.

کلیدواژه ها: سبک های فرزند پروری، سازگاری پس از طلاق ، کودکان تک والد

مقدمه

تحقیقات نشان داده است که کودکان با خلق و خوی سهل گیر که در خانواده مورد حمایت قرار دارند، قادر به تحمل فشار بیش تری پس از جدایی و طلاق هستند که این توانایی می تواند قدرت آن ها را در رویارویی با چالش های سازگاری در مراحل بعد بالا برد (هترینگتن و همکاران، ۱۹۸۹).

بچه هایی که از نظر خلق و خوی به بچه های مشکل دار، سخت یا بسیار حساس و زود رنج مشهورند در برابر تغییرات از قدرت سازگاری کم تری نسبت به کودکانی که ذاتاً سهل گیر هستند، برخوردارند.

افزایش فشار روانی در کودکان دشوار باعث بروز نقص در مهارت های مقابله ای، افزایش مشکلات رفتاری و تشدید مشکلات موجود می شود. این کودکان نه تنها با رفتارهای منفی والدین کم تری می توانند کنار بیایند بلکه ممکن است نتوانند از حمایت های افراد پیرامون خود به اندازه ی کافی بهره ببرند. کودکانی که در گذشته با مشکلات اجتماعی و عاطفی روبه رو بوده اند وقتی با طلاق و جدایی مواجه میشوند احتمال این که رفتارهای بسیار منفی از خود نشان دهند، بیش تر می شود. کودکانی که خود را مقصر جدایی والدین شان می دانند از سازگاری کم تری برخوردارند و ممکن است به انواع مشکلات روانی نظیر: افسردگی، درونی کردن مشکلات و احساس بی عرضگی در انجام دادن امور مبتلا شوند (باسل، ۱۹۹۵).